



کارگران جهان متحد شوید!

روزهای عادی در

یکاردوگاه فلسطینی

مطلب زیر گزارش زنده ای است که یک زن فلسطینی از زندگی و مبارزات روزمره ساکنین اردوگاه ذحیشه تهیه کرده و از طریق یک سایت اینترنتی در اردوگاه، آن را به اطلاع افکار عمومی جهان رسانده است.

در این گزارش که توسط ماهنامه لوموند دیپلماتیک نیز بچاپ رسیده، احساس درد و خشم یک ملت در برابر بیدادگریهای دولت اسرائیل و حامیان امپریالیست آن، از زبان یک زن جوان بازگو شده است:

چهار شنبه ۶ اکتبر

شش روز است که مدام احساس کرحتی می کنم. وقتی ساعت ۴ صبح از خواب برمی خیزم - آخر این روزها خواب و آرامش ندارم - می کوشم نزدیک کامپیوتر و رادیو نشوم و صرفا بروی پشت بام بروم و قهوه ای بنوشم.

بالینحال قهوه ای درست میکنم و بی اختیار به رادیوی محلی بیت الله ۲۰۰۰ گوش می دهم و ۲۵۲ پیام الکترونیکی را که تازه بدستم رسیده، از نظر می گذرانم.

غیر از افرادی که در داخل بیت الله کار می کنند، هیچکس از اردوگاه ما سر کار نمیرود. زندگی از حرکت باز ایستاده و ارتباط فلسطینی های ساکن منطقه (الف) با سایر مناطق کاملا توسط تانکهای اسرائیلی قطع شده است. از بیت الله نمیتوان به حبرون یا به بیت المقدس رفت. تنها کارمان این شده که بدقت اخبار را دنبال کنیم. تمام روز چشم مان را به صفحه تلویزیون می دوزیم . . . و دیگر هیچ! برای تماشای اخبار تلویزیون نزد همسایه میروم. دیگر هیچکس مایل نیست که درگیری های جاری متوقف شود، همه خواهان ادامه شورش اند. هرچه پیش آید، بیاید، به جهنم!

یاس و نومیدی مردم و فشاری که بر آنان تحمیل شده، بحدی است که همه فکر می کنند: یا آنها یا ما! حتی اگر همه مان را بمباران کرده و خاکسترمان کنند، بازهم به حال مان فرقی نمی کند. میسر ۳۴ ساله، زن همسایه و مادر دو فرزند می گوید: "فقط یک بمب و فاتحه اردوگاه برای همیشه خوانده خواهد شد." به او میگویم: اما اینظوری همه فوراً خواهیم مرد! و در جواب میگوید: "بهتر است بمیریم تا به این زندگی ادامه دهیم!"

با هر زنی که صحبت می کنم، همین کلام را می شنوم. فضای حاکم بکلی عوض شده و مردم بقیه در صفحه ۲

مروری بر رویدادهای کارگری ایران

بیمارستان به وزارت بهداشت، عملاً آن را به بخش خصوصی واگذار کند.

تظاهرات کارگران نساجی قائم شهر
روز شنبه ۱۲ آبان قریب ۲۰۰۰ کارگر نساجی در قائم شهر در اعتراض به موج اخراج سازی ها و عدم پرداخت حقوق بیکاری به کارگران در مقابل کارخانه تجمع کردند. این حرکت اعتراضی که از سوی کارگران شاغل و توده های مردم مورد حمایت قرار گرفته بود، با واکنش سرکوبگرانه مقامات دولتی مواجه شد و نیروهای امنیتی به تجمع کارگران یورش برده و تعدادی از آنان را مجروح ساختند.

کارخانه نساجی شماره ۲ قائم شهر دو سال پیش موقتا تعطیل گردید و به کارگران وعده داده شد که با راه اندازی مجدد کارخانه، دوباره همه کارگران استخلام خواهند شد. با اینهمه اکنون پس از بازگشائی کارخانه، کارفرمایان تنها به بازگشت ۲۵ درصد کارگران رضایت میدهند و تصمیم دارند سایر کارگران را پس از تحمل دو سال عواقب بیکاری، برای همیشه به خیابان پرتاب کنند.

اعتصاب و راهبندان توسط کارگران شرکت علاالدین

۳۱۰ تن از کارگران شرکت تولیدی علاالدین برای سومین بار پیایی در سال جاری دست به اعتصاب زدند و برای رسیدن به مطالبات خود بقیه در صفحه ۲

اطلاعیه هیأت هماهنگی اتحاد چپ کارگری

وظایف اتحاد چپ در این رابطه
۶- وظایف نیروهای اتحاد چپ کارگری در خارج از کشور

مباحثی که اتحاد چپ در یک چنین برهه حساسی از زمان در پیش رو گذاشته است، و سوالاتی که در صدد پاسخ به آنهاست، مسایل میرم جنبش طبقه کارگر و جنبش انقلابی ایران محسوب می گردند.

لذا دامن زدن به این مباحث تنها به روشن کردن دیدگاهها و رفع ابهامات و اشکالات درون اتحاد چپ بسنده نمی کند، بلکه تلاشی ست جمعی در راستای پاسخ به مسایل میرم جنبش، رفع بحران و پراکندگی و ایجاد زمینه وحدت و انسجام هرچه بیشتر نیروهای طرفدار سوسیالیسم و طبقه کارگر ایران

اعتراض و تجمع کارگران نیشابور در برابر فرمانداری

در پی واگذاری بیمارستان تامین اجتماعی به وزرات بهداشت، هزاران کارگر بخشهای مختلف صنعتی و خدماتی در نیشابور دست به اعتراض زدند و در برابر فرمانداری این شهر تجمع کردند. یکروز پیش از برگزاری اعتراضات، یکی از نمایندگان کارگران در توضیح هدف این حرکت به خبرگزاری دانشجویان گفت: "با وجود اینکه پیش از این نیز کارگران نیشابور به سازمان تامین اجتماعی در مورد واگذاری بیمارستان هشدار بوده بودند، این سازمان به خواسته های ۳۰ هزار کارگر بیمه شده شهرستان و ۱۵۰ هزار شهروند تحت پوشش آن وقعی نگذاشته و کارگران به این نتیجه رسیدند که باید از اجتماع بعنوان یک شیوه قانونی برای بیان اعتراضات استفاده کنند . . . با واگذاری این بیمارستان به وزارت بهداشت و درمان، مساله درمان رایگان کارگران منتفی میشود. وی سپس اعلام کرد که: "این بیمارستان با پول کارگران ساخته شده و باید همانطور که بارها مسئولین سازمان تامین اجتماعی وعده داده اند، خود سازمان آن را مورد بهره برداری قرار دهد و در اختیار جامعه کارگری قرار گیرد.

شایان ذکر است که این بیمارستان برغم آنکه ۳ میلیارد تومان از دسترنج کارگران صرف احداث آن شده، به بهانه های مختلف بمدت یکسال و نیم بلااستفاده مانده و اکنون دولت جمهوری اسلامی قصد دارد زیر پوشش واگذاری این

بدینوسیله به اطلاع نیروهای جنبش کارگری و کمونیستی و چپ انقلابی ایران و کلیه صاحب نظران می رساند که این دوره از بولتن مباحثات اتحاد چپ کارگری، علاوه بر انعکاس اختلاف نظرات و ارزیابی ها و پیشنهادات نیروهای درون اتحاد چپ کارگری، موضوعات زیر را در بر می گیرد:

- ۱- مبانی نظری اتحاد چپ کارگری
- ۲- مبانی، اصول تشکیلاتی و سبک کار
- ۳- ارزیابی از شرایط کنونی و تاکتیک های اتحاد چپ کارگری
- ۴- وضعیت جنبش کارگری ایران و وظایف اتحاد چپ کارگری
- ۵- جنبش دموکراتیک جوانان، دانشجویان، زنان، روشنفکران و سایر خواست های عمومی و فوری، و

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی!

مروری بر رویدادهای کارگری ایران

مرتضی لطفی، عضو هیئت رئیسه شورای شهر تهران با روزنامه همشهری - ۵ آبان) ما در شماره قبل به سیاست شبه فاشیستی دولت خاتمی در قبال کارگران افغانی اشاره کردیم و دیدیم که چگونه وزیر کار و امور اجتماعی بطور علنی خواستار اخراج کارگران خارجی شده است. اکنون اما شاهدیم که شورای شهر تهران نیز سعی دارد از یکسو دولت خاتمی را در شناسائی کارگران بیکار خارجی و اخراج آنان از ایران یاری رسانده و از سوی دیگر ابعاد فاجعه یار بیکاری را از انظار توده مردم پنهان سازد. آنها برای رضایت مندی "شهروندان و حفظ نظم برای آنان!

دانشجویان، اکنون هشت ماه است که کارفرمایان این شرکت حقوق کارگران را پرداخت نکرده اند.

ناامنی شهروندان بیکار در خیابانها

در حالیکه زیر سایه دولت "اصلاح طلب" هر روز بر خیل عظیم بیکاران افزوده میگردد و تعداد بیشتری از کارگران به خیابان پرتاب میشوند، شورای شهر تهران به سهم خود برای انجام اصلاحات حکومتی به تکاپو افتاده و قصد دارد به بهانه "رضایت مندی شهروندان و کمک به ایجاد نظم عمومی" به "پاکسازی محیط شهر" بپردازد و نیروهای کار "آزاد" را از سطح شهر جمع آوری کند! (رجوع شود به مصاحبه

اتویان تهران - کرج را بستند. در حالیکه اصلاح طلبان از رونق تولید و بهبود شرایط اقتصادی سخن میگویند، بیش از هشت ماه است که ۶۱۰ کارگر این شرکت همانند صدها هزار کارگر دیگر هیچگونه حقوق و دستمزدی دریافت نکرده اند و کارفرمایان شرکت پس از کشیدن شیره جان کارگران، آب و برق و تلفن شرکت را قطع کرده و متواری شده اند.

اعتراض کارگران فرش ماشینی محتشم روز یکشنبه ۱۵ آبان ۲۰۰ تن از کارگران فرش ماشینی محتشم کاشان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدشان در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری

روزهای عادی در یک اردوگاه فلسطینی

ترا بخدا نمیر! چه کسی خبر را به مادرت بگوید؟ چه کسی قلب اش را تسکین دهد و اندوهش را بزدايد؟ جسد یک پسرش در بیمارستانی در بیت المقدس افتاده، شهری که به مادر ممنوع شده است، و دختری در نوار غزه، منطقه ای که برای مادر به دوری کره ماه میماند... این است پیمان صلحی که می خواهند در حلقوم مان کنند! چنین است "قرارداد صلح" اسلو و "قراینده مذاکرات صلح"؟ صلح؟ نخیر، میخوام واژه های مناسب تری بکار ببرم: این فرایند جنگ است، قرارداد گلوله های واقعی است، یک اسلو برای نابودی فلسطینی هاست!

همین صداها و همین خبرهاست که ما را به جلو سوق میدهد، که خون مان را در رگها بجوش می آورد و به ما چنان خشمی می بخشد که بتوانیم روزی دیگر را دوام بیاوریم. خبر یک توافقنامه تازه اما، چیزی نیست که ما را به وجد بیاورد. گیریم که اسرائیل توپخانه اش را جمع کند! بعدا چه؟! آنها همچنان گلوله های واقعی و پلاستیکی و گاز اشک آور بکار خواهند برد و باز هم غیرنظامیان بی گناه را خواهند کشت و فردا صبح، ما دوباره در رژیم آپارتاید بیدار خواهیم شد. بهمین خاطر است که ما از خود انعطاف نشان نمی دهیم و هیچکس مایل نیست به اوضاع قبل از انتفاضه باز گردد. روزهای اخیر اگرچه سخت و دشوار بودند و یک هفته بسان دهسال گذشت، ولی همه همچنان مصمم اند که تا پای جان مبارزه کنند.

از همه سو جان شان به لب رسیده، از شقاوت سربازان اسرائیلی، از فساد در بین مقامات و از پیمان صلحی که سیرزمین ما را به رژیم آپارتاید و به هوم لاند های آن بدل ساخته و کرانه باختری رود اردن را همچون ۲۰۰ جزیره کوچک، تکه و پاره کرده است... در همین حال در اسرائیل زندگی بروال عادی جریان دارد. اسرائیلی ها هر روز صبح از خواب بلند میشوند، سرکار میروند، فرزندان خود را به مدرسه می فرستند و شب ها به تئاتر و رستوران میروند، بدون آنکه سرگذشت ما را لمس کنند. گوئی که شوهران و پدران و فرزندان شان که ما را می کشند و مجروح و مثله مان می کنند، مزدورانی هستند که از سرزمینهای دوردست آمده اند!

شنبه ۷ اکتبر در حالیکه ما نشستہ بودیم و در مورد حوادث هفته گذشته صحبت می کردیم، برنامه عادی تلویزیون قطع شد تا خبر اسارت سه سرباز اسرائیلی را پخش کند...

پنجشنبه ۵ اکتبر (ادامه) آه، بگریید چشمان من! بگریید! اشک می تواند اندوم را بشوید! امروز چند نفر از ما با ام حمزه روبرو خواهیم شد؟ آه ام حمزه! پسرش به کاروان شهدا پیوست و از قرار معلوم ما بایستی به تو بگوئیم: خوب شد! پسرش شهید شد و مستقیم به بهشت رفت! ام حمزه، تحمل کن بخاطر شوهر ناینایت! مقاوم باش بخاطر دیگر بسرانت! افتخار کن که پسرش اولین شهید اردوگاه در انتفاضه الاقصی است!

پنجشنبه ۵ اکتبر برق منطقه بیت اللهم از ساعت ۷ الی ۱۱ شب قطع شده بود. ما بلافاصله فهمیدیم علت چیست، ارتش اسرائیل ژنراتورها را بمباران کرده و به آتش کشیده بود. فلسطینی ها برای تضمین امنیت جانی نیروهای آتش نشانی و خاموش کردن شعله ها از مقامات اسرائیلی توقف بمباران را خواستار شدند. البته که اسرائیلی ها پذیرفتند... وقتی باخبر شدیم که عرفات در پاریس با باراک دیدار خواهد کرد، اندوه و درماندگی ما به اوج خود رسید. اغلب ما مطمئن بودیم که عرفات این دعوت را نخواهد پذیرفت و اساسا هیچکس خواستار چنین ملاقاتی نبود...

آیا ما به سمت یک جنگ منطقه ای پیش میرویم؟ این مسئله به عکس العمل سوریه و لبنان در قبال بمباران احتمالی این کشورها توسط اسرائیل بستگی دارد. در اینجا هیچکس تصور نمی کند که کشورهای عربی در برابر تجاوزات اسرائیل واکنشی از خود نشان دهند. انزجار مردم فلسطین از دولتهای عربی غیر قابل توصیف است، همانند خشم و انزجاری که نسبت به ایالات متحده و سازمان ملل در دل دارند... دچار سردرد شدیدی شده ام. سعی می کنم دوباره بخوابم ولی با شنیدن صدای تیراندازی دوباره بیدار میشوم. روی تخت می نشینم و گوش میدهم. صدا از همین نزدیکی هاست، از تونل بیت جلا در دهکده الخادر. حالا ۴۰ دقیقه است که تیراندازی ادامه دارد و میتوانم علاوه بر شلیک گلوله، صدای کف زدن مردم را از اردوگاه بشنوم.

آه قلب پر از درد مادر! درد عذاب آور! گلوله اسرائیلی ها سینه و بازوی کودک را سوزاندند و باز دوباره... از استخوانهایش بیداست! چهار گلوله دیگر تک تیرانداز اسرائیلی بدن اش را سوراخ سوراخ کرد در حالیکه که او با اکرم، بهترین دوستش در کنار خیابان ایستاده بود. چقدر برای تو می ترسم اکرم! نکند تو هم بمیری!؟

و اینک سینه صبح با خود ابر سنگین دلتنگی را بهمراه دارد. طنین سرودهای انقلابی، صدای سیرن ها در خیابان و اخبار درگیریهای دیروز و دیشب: هفت قربانی دیگر! لیکن هیچیک از اینها ما را برآشفته نمی سازد. برعکس، شنیدن

بقیه از صفحه اول

در تاریکی لیخنلی برلبانم نقش بست. در جریان جنگ ژوئن ۱۹۶۷ و سپتامبر سیاه، من کودکی در عمان بودم. تقریباً سراسر دوران انتفاضه را در فلسطین زندگی میکردم. اما این اولین بار است که شنیدن صدای تیراندازی در من وحشتی ایجاد نمی کند. اکنون دیگر درک میکنم که چرا فلسطینی هائی که تمامی عمرشان را تحت اشغال اسرائیلی ها گذرانده اند، از مبارزه با آنان دست بردار نیستند و چرا در برابر مسلسل، سنگ بدست گرفته اند...

یکشنبه ۸ اکتبر

اگر باراک واقعا مایل است بداند که انتفاضه تلاوم خواهد یافت یا نه، بهتر است از شعارهای تهدید آمیز علیه عرفات دست بردارد و به اینجا بیاید و با زنان فلسطینی صحبت کند. آیا باراک از خود پرسیده است که چرا اینبار زنان فلسطینی در خط مقدم درگیری ها حضور ندارند؟! اگر از استثنائات بگذریم - بویژه بهنگام مراسم خاکسپاری شهدا- زنان در خانه می مانند. برخی تصور می کنند که این امر بخاطر شدت تیراندازی ها و نبود امنیت جانی است!

اما زنان فلسطینی سربازان گمنام اند. من حتی یک زن را در اردوگاه ندیده ام که تحولات جاری را هرچقدر هم کوچک باشد، بدقت دنبال نکند. مادر شوهر هفتاد و هفت ساله من نیز در اتاق می نشیند و گوشش را به رادیو می چسباند. امروز با هر زن فلسطینی که صحبت کنید، اذعان میکند که از انجام کارهای روزمره اش باز مانده است، که زنان لاغر و نحیف شده اند، از سردرد شدید و بی خوابی رنج می برند و برای شوهر و فرزندان شان نگران اند.

بالنحال پیام زنان فلسطینی به باراک چنین است: انتفاضه بایستی ادامه پیدا کند، مرگ کودکان نباید بی حاصل بماند، خبر آتش بس ما را سرافکننده می کند، ما نمی توانیم هر از چند گاه شاهد یک انتفاضه دیگر باشیم و بعد به خواب فرو رویم و دوباره چند سال بعد همه چیز را از نو شروع کنیم. اینبار مبارزه بایستی تا آخر ادامه پیدا کند، تا پیروزی!

دوشنبه ۹ اکتبر

بار اولی که از آمریکا به اینجا آمده و مستقر شدم، بیاد دارم که در آغاز انتفاضه سالهای ۹۳-۱۹۸۷، به محض هجوم سربازان فلسطینی به

خانه مان بی اختیار بطرف تلفن میرویم تا شماره ۹۱۱ (شماره تلفن پلیس) را بگیریم. اما اینجا کسی نیست که امنیت ما را تأمین کند و در برابر توحش ارتش اسرائیل به دادمان برسد... و اینک این کولن ها هستند که دنباله کار سربازان اسرائیلی را گرفته اند و با تیراندازی، غیر نظامیان فلسطینی را مرعوب می کنند. از نیروهای امنیتی فلسطین کاری ساخته نیست. این روند صلح اسلو است! حوادث دو روز اخیر نشان میدهد که اسرائیلی ها با چه هدفی نوار باختری رود اردن را به سه منطقه (الف)، (ب) و (ج) تقسیم کرده اند. من حتی نمی توانم به حیرون بروم بدون آنکه از وسط کولنی ها عبور کنم. هر شهر و روستای فلسطینی توسط کولنی های اسرائیلی محاصره شده است...

سه شنبه ۱۰ اکتبر

امروز ۳۶ نفر در مناطق اشغالی مجروح شدند. برای قطع درگیری ها تنها کافیست که اسرائیل تمامی نیروهایش را از فلسطین خارج کند. اسرائیل باید بیندیرد که مبارزات آزادیبخش تا تشکیل دولت مستقل فلسطین بر تمامی مناطق اشغال شده در سال ۱۹۶۷، متوقف نخواهد شد. به من نشان بدهید که در کجای تاریخ یک خلق از رویای استقلال و آزادی خویش دست کشیده است! آقای نخست وزیر، صلح شجاعان صلحی است که به حمام خون پایان دهد نه اینکه مدام خونهای تازه ای بطلبد. صلح شجاعان مستلزم برسمیت شناختن حقوق مسلم یک ملت است و نه لگدمال کردن آن! آقای نخست وزیر، اگر ملت اسرائیل و ملت فلسطین درکنار هم زندگی می کردند آنگاه همه چیز در منطقه به سمت مثبتی متحول می شد. اگر شما می پذیرفتید که آپارتاید دیگر نمی تواند ادامه پیدا کند، آنگاه اوضاع تغییر میکرد...

سه شنبه ۱۷ اکتبر
درحالیکه من پشت کامپیوتر نشسته ام، ۲۰۰۰۰ نفر در بیت اللهم در مراسم خاکسپاری شرکت کرده اند. آخرین قربانی، عصمت کودکی از اردوگاه بناهندگان ایداست. یک سرباز اسرائیلی با شلیک گلوله به مغز این دختر بچه، وی را در حالیکه با کوله پشتی مدرسه عازم خانه بود، بقتل رساند.

پیش از دفن این کودک، تمامی شبکه های تلویزیونی بیانیه پایانی اجلاس شرم الشیخ را پخش می کردند.

کلینتون - البته بطور غیرمستقیم - به ما می گوید که برای پایان دادن به انتفاضه تصمیماتی اتخاذ شده است. وی بعوض آنکه از اسرائیل بخواهد که به قتل عام مردم فلسطین خاتمه دهد، به ما توضیح میدهد که دو طرف پراپی آرام کردن اوضاع تلاش خواهند کرد! او از آتش بس سخن می گوید... ولی آتش بس میان دو ارتش امضاء میشود، نه؟ ارتش ما کجاست؟...

... یک روز دیگر سپری میشود و هیچکس حاضر به توقف قیام نیست. مبارزه برای رهایی دهها سال است که جریان دارد و در طول این سالها، دختران مادر شده اند و مادران، مادر بزرگ. آنها شوهران شان را، پدران و فرزندان شان را بخاک سپرده اند و ما هنوز آزاد نشده ایم. ما همچنان تحت اشغال بسر می بریم و هنوز دولت مستقلی نداریم...

... به روز دیگری در فلسطین خوش آمدید! روز دیگری از اشغال!

... و باید کوشید زیر آفتاب جانی پیدا کرد. اگر خوب بنگری، خورشید همینجاست. میتوانی سبزی مرغزار، آبی دریا و رنگین کمان را در افق ببینی. سرت را بالاتر بگیر تا بتوانی جایب را ببایی.

آدرسها و شماره فاکس

تماس با سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست

kar-Co

Box 10063

S-400 70 Göteborg/

Sweden

فاکس روابط عمومی

+ (46) 317792571

آدرس پست الکترونیکی

webmaster@fedayi.org

آخرین اطلاعیه های سازمان

را از آدرس اینترنت

دریافت کنید!

www.fedayi.org

Jahan-e communisti

No: 3, 20 November 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم